

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۵

(ص ۹۱-۱۰۱)

پیرامون «ببر هیرکانی» و صفت «ایرکانو» در ادب رومی

ایمان منسوب بصیری*

چکیده

تیکریس (*tigris*) از واژگان کهن هندوایرانی راه‌یافته به لاتین است که خود از یونانی به آن زبان رسیده است، واژه‌نامه‌های اروپایی در شرح ریشه‌شناختی این واژه آن را هم‌ریشه با **تیر** در پارسی امروز و در بُن به معنای «پُرنده» دانسته‌اند، و در معنا با واژه ایتالیایی *aguzzare* که معادل «تیز کردن» است سنجیده‌اند. تصویر **ببر** در ادب لاتین با **گرگان** پیوند خورده‌است. صفت **ایرکانو** نیز که بیشتر چونان توصیف **ببر** در متون ادبی لاتین و ولگار ایتالیک به کار رفته، برگرفته از **هیرکانی** پارسی است. این مقاله به بررسی معنای صفت **ایرکانو** و پیوند آن با واژه **ببر** در ادب رومی اختصاص یافته است.

کلیدواژه‌ها: ببر، هیرکانی / ایرکانو، لاتین، ایتالیایی.

تیگریس (*tigris*) از واژه‌های کهن هندوایرانی رامیافته به لاتین است که خود از یونانی بدان زبان رسیده است، یکی از کهن‌ترین سخنورانی که در لاتین از این واژه نام برده «اوپیانوس»^۱ سخنور سده دوم میلادی است که **پبر** را در میان چهارپایان با **طاووس** در میان پرندگان سنجیده است:

quadrupedum pulcherrima, ut pavo avium (Oppianus, 1833: 876)

واژه‌نامه‌های اروپایی در شرح ریشه‌شناختی این واژه، آن را هم‌ریشه با **تیر** پارسی امروز و در بُن به معنی «پرنده» دانسته‌اند، و در معنا با واژه ایتالیایی *aguzzare* که معادل «تیز کردن» است سنجیده‌اند. یونانیان باستان **پبر** را نمی‌شناختند و آن را به گونه **مانتیکوراس**^۲ تصور می‌کردند؛ مانتیکوراس که جانوری افسانه‌ای است، ریشه در فرهنگ و زبان‌های ایرانی دارد و برگرفته از ریخت **مرتیکوراس** به معنای «مردخوار» است؛ این واژه نیز از یونانی به لاتین رسیده و از آنجا به زبان‌های رمانس راه یافته است. اطلاق واژه **مانتیکور** به **پبر** از آن رو رخ داده است که این جانور به شکار آدمی نیز می‌پردازد و از این دید در میان گربه‌سانان بزرگ و دیگر جانوران بی‌هم‌نند است. ریشه واژه تیگریس را -چنان‌که یاد شد- به گمان بسیار به معنی «تیز و برنده»^۳ توان دانست و از این بُن، در نام کهن رودخانه **دجله**، نیز نشان توان گرفت که به همین ریخت در یونانی و لاتین رایج است. این ریشه‌شناسی از گذشته نیز در متون کهن رایج بوده و از آن جمله است این بیان:

Tigris vocata propter volucrem fugam: ita enim nominant Persae et Medi sagittam... Has magis Hyrcania gignit (Isidoro, 2014: 590).

او را به سبب گریز شتابنده‌اش **پبر** خوانده‌اند، **پارسیان** و **مادها** **تیر** (تیگریس) را چنین نامند... این جانوران بیشتر در **هیرکان** زاده می‌شوند.

^۱ Oppianus

^۲ Mantichoras, Cfr. De Mauro, Dizionario etimologico, sub voce Manticora.

^۳ Dizionario etimologico della lingua italiana, Zanichelli, 1998, sub voce tigris.

متن بالا که برگرفته از کتاب *Etymologiae* (نام دیگر: *Origines*)، اثر ایزیدور اهل سویل^۱ است، در یکی از دست‌نویس‌های کهن که تصویر آن در پایان این جستار پیوست می‌گردد آمده است. نگاره‌ای که در دست‌نویس به چشم می‌آید، در پیوند با شکار بر با آینه است و از آن به‌خوبی می‌توان دریافت که نگارگر تصور درستی از این جانور نداشته و آن را مانند پلنگ نقش زده است. در میان یونانیان، نخستین نگارنده‌ای که دریافت بر و مردخوار یکی هستند، «پائوسانیاس»^۲ است که در کتاب *توصیف یونان*^۳ از این مطلب یاد کرده است^۴:

La belva che nel discorso sugli indiani Ctesia dice appellarsi dagli Indiani martiore e da greci Androfago mi persuado che sia la tigre.

درنده‌ای که به‌بیان کتزیاس (تاریخ‌دان و پزشک یونانی) نزد هندیان، *مارتیور* گفته می‌شود و یونانیان *مردخوار* (آندروفآگوس: این واژه ترجمه پایای *مردخوار* است) خوانند، از دید من همان بر است.

تصویر بر در ادب لاتین به‌ویژه در دورانی که به عصر سیمین^۵ ادبیات رومی شهرت دارد با نام *گرگان* پیوند خورده است و بدین‌گونه یکی دیگر از واژه‌های ایرانی دخیل در زبان‌های رمانس رخ می‌نماید. صفت *ایرکانو*^۶ که بیشتر برای توصیف بر در متون ادبی لاتین و ولگار ایتالیک به کار رفته است، برگرفته از *هیرکانی* پارسی است. این واژه در ایتالیایی ادبی کاربرد فراوان یافته است و در کالبد صفت، در وجه کنایی، مراد از آن «جنگل و بیشه انبوه و دندانک» است،

¹ Isidoro di Siviglia

² Pausanias

³ *Hellados Periegesis*

⁴ *Capitolo ventesimoprimo, traduzione italiana, si descrive la forma de triton, descrizione della Grecia, trad. Antonio Nibby, 1817.*

⁵ *Età argentea.*

⁶ *De Mauro* sub voce *Ircano* agg., s.m.

1a. agg. TS stor. dell'Ircania, regione dell'antica Persia a sud del Mar Caspio, selvaggia e popolata da belve feroci; 1b. agg. LE estens., di regione, bosco e sim., aspro, selvaggio: quante belve | l'Ercinia ha in sen, quante l'ircane selve (Tasso); di animale, molto feroce | mare ircano, onda ircana, il Mar Caspio.

Agg., s.m. TS stor. che, chi abitava l'Ircania. DATA: 1478. ETIMO: dal lat. *Hyrcaṇu(m)*, dal gr. *Hurkanós*, dal persiano ant. *Vrkāna*.

چنان‌که شاعر کلاسیک آن زبان، «تورکواتو تاسو»^۱ «دراور شلیم آزادشده»^۲ در بیان تشبیه از این واژه بهره جسته است:

*Par qui tutto raccolto, e quante belve
l'Ercinia ha in sen, quante l'ircane selve.*
(Tasso, 2011: 367)

در اینجا همه چیز گرد آمد و بسا درندگان
که ارچینیا و جنگل‌های گرگان در خود جای داده‌اند...

یکی از نام‌آورترین یادکردهای ریخت مادینه این صفت (ایرکانا)، در تشبیه **بهر هیرکانی** در شعر «آنجلو پولیتزیانو»^۳ شاعر عصر نوزایی آمده است و به شیوه افسانه‌ای شکار این جانور درنده اشارت دارد:

*Qual tigre a cui dalla pietrosa tana
Ha tolto il cacciator gli suoi car figli;
Rabbiosa il segue per la selva ircana,
Che tosto crede insanguinar gli artigli:
Poi resta di uno specchio all'ombra vana,
All'ombra che i suo' nati par somigli;
E mentre di tal vista s'innamora
La sciocca, il predator la via divora.* (Poliziano, 1988: 49)

هیرکانیا، منطقه جنوب شرقی دریای کاسپین، از دید واژه‌شناختی، ریشه واژه **گرگان** در پارسی امروز است و نیک دانسته‌است که گرگان در سنگ‌نوشته داریوش در بیستون، به ریخت **وَرکانه**^۴، در *اوستا* (وندیداد) به گونه **وهرکانه** و در متون پهلوی در کالبد **وَرکان**^۵ آمده است.^۶

¹ Torquato Tasso

² Gerusalemme liberata

³ Angelo Poliziano

⁴ *varkāna*

⁵ *vurkan*

⁶ Cfr. W. Barthold, *An Historical Geography of Iran*, Princeton University press, 1984:

اینک به یادکرد ترجمهٔ سرودهٔ «پولیتزیانو» پیرامون **بر گرکانی** و بازیافت سرچشمهٔ احتمالی این تصویر خیال‌انگیز در ادب لاتین و یافت نمونه‌های مشابه آن در ادب رومانس ایتالیک خواهیم پرداخت: «پولیتزیانو» در وصف به دام افتادن «یولیوس»، جوانی که در کتاب شامخ **گاهان ناوردا**^۱ به عشق گرفتار می‌شود، این همسانی (تشبیه) گسترده و ادیبانه را به کار بسته است؛ سوی دیگر، همسانی تاختن خداوندگار عشق، «کوپیدوس» بر جوان سرکشی است که مهرورزی را خوار می‌دارد و بر مهرورزان می‌تازد:

به‌مانند **بری** که از لانه‌ای سنگین
نخجیرگیر فرزندان دل‌بندش را دربروده است
و آن **بر** در جنگل‌های **گرگان**، خشک‌گین
در پی او به‌شتاب روان می‌گردد
و در آن گمان است که پنجهٔ خویش را
به خون آن که فرزندش را بروده است بی‌الاید
اما ناگاه در پیش نقشی خیال‌آمیز
در برابر آینه‌ای باز می‌ماند؛
نقشی که او را می‌فریبد، و **بر** می‌پندارد
که فرزند خویش را باز یافته است!
و آنگاه که او دل‌باختهٔ این نقش ماند
مات و سرگشته بر جای ایستد
و نخجیرگیر راه بر او درمی‌بندد.

این شیوهٔ شکار **بر گرکانی** در نگاشته‌های کهن و کلاسیک لاتین هیچ شاهدی ندارد و به نظر می‌رسد که از افسانه‌ها به پهنهٔ ادب راه یافته است. اما اگر در پی ریشهٔ ماجرای **بر گرکانی** در ادب رومانس کاوش کنیم، یکی از نمونه‌های کاربرد نسبتاً کهن این درونمایه از آن «ریگادوس دو

^۱ Stanze per la giostra

بریزیل» اسراینده و تروبادور زبان پروانسال است که این همسانی را باز هم در زمینه ادبیات غنایی و درونمایه‌های عاشقانه در بیان همسانی شیفتگی **بهرگرگانی** در آینه و حال فراموشی اندوه آورده است:

*si come la tigre el mirador
que per remirar son cor gen
oblida si e son tormen
aissi can vei less cui ador
oblit mon mal e ma dolor²*

(Rigaut de Barbezieux, 1960: 117).

به مانند **بهری** که در آینه می‌نگرد
تا روان نژاده خویش را در آن باز یابد
و هستی خود و اندوهش را یکسر فراموش می‌کند؛
من با دیدار شما، که نشانگاه پرستش من هستید
درد و رنج خود را یکسر از یاد می‌برم.

این شیوه شکار **بهر** که به **ایرانیان** باز خوانده شده و در متون رمانس یافت می‌شود، در یکی از متون نثر زبان اوایل^۳ یعنی کتاب گنجینه^۴ برونتو لاتینی، استاد داتنه در فنون سخنوری، آمده است. این متن به دست «بونو جامبونی»^۵ به زبان فلورانسی روزگار او ترجمه شده و در شبه جزیره ایتالیا رواج یافته است:

*Tigro è uno animalo che nasce nelle parti d' Ircania... E sappiate,
che quando egli va alla suo abitazione, ed ella truova che'
cacciatori gli hanno tolti suoi figliuoli, ed ella corre prestamente, e
seguisce i cacciatori che gliene portano E l'uomo che gli ha, si dotta*

¹ Rigaut de Berbezilh (1140-?)

² R. de Barbezieux, *Le canzoni*, Mauro Braccini, Firenze, 1960, p. 117.

³ *Lingua d'Oil*.

⁴ *Il Libro di Tesoro*.

⁵ Bomo Giamboni (1240-1292).

molto della sua fierezza e crudeltà, ch'egli sa bene che 'l fuggirò di cavallo d' altra bestia noi potrebbe da lui scampare. Ed egli gitta per la via molti specchi, uno di qua ed uno di là. E quando il tigre vede negli specchi la sua imagine, crede che 'l sia il suo figliuolo. E va allo specchio intorno intorno, e vedendo che non sono li suoi figliuoli, si si parte e corre per trovare li cacciatori che ne portano suoi figliuoli. E quando egli è assai corso, ed egli trova ancora di questi specchi, che li cacciatori v' hanno posti simigliantemente. Gli va d'intorno credendo trovare suoi figliuoli. E tanto fa così, che 'l cacciatore iscampa la persona.

(Brunetto Latini, 1877: 63)

بر جانوری است که او را **هیرکان** جایگه است؛ بدانید که هم او آنگاه که به کنام خویش بازآید و نخجیرگیران ببندد که مر او را فرزند بر بوده‌اند، به‌تندی دویدن گیرد و شکارگر را در پی‌افتد. آن آدمی که پسرزادگان را در بند دارد، از درنده‌خویی این دَد آگاه است و داند که اگر بر اسبی گریختن گیرد، از تازش **بر** چاره نتواند کرد. پس به ناچار آینه‌های بسیار این سوی و آن سوی بگارد و آنگه که **بر** در آینه نقش خویش درنگد، آن را فرزند پندارد. پس دَد گرد آینه‌ها گردیدن گیرد و دریابد که آن نقش از فرزند او نیست، در آن حال در پی نخجیرگیر به‌شتاب دوان گردد، پس هرچه پیش رود، دگر آینه‌ها ببندد و نقش خود در آن بازنگرد و درنگ گیرد و چنان در گمان افتد که نخجیرگیر جان به در برد.

اما سرچشمهٔ این متن‌ها تاجایی که پیگیری‌ها در ادب لاتین آشکار می‌سازد، اشارهٔ مختصری است که «کلاودیانس»^۱، شاعر رومی نگار به ماجرای **بر هیرکانی** کرده است و به‌گمان، متن او پس از گسترش درونمایه و افزایش بار خیال‌انگیز در کتاب‌های جانورشناسی^۲ سده‌های میانی با فضایی افسانه‌ای به‌گونه‌ای که دیدیم، درآمده است. کلاودیانس در کتاب سوم *ربایش*

¹ Claudius Cluadianus (370-404 A.D.)

² Bestiari

پروزرپین^۱ اثر شبه‌حماسی ناتمام خود، این تشبیه را با اشاره به رسم شاهان **هخامنشی** (به معنای **کلی ایرانی**) این‌گونه درج کرده است:

*Arduus Hyrcanâ quatitur sic matre Niphates,
Cuius Achaemenio Regi ludibria natos
Avexit tremebundus eques: fremit illa marito
Mobilior Zephyro, totamque virentibus iram
Dispersit maculis, iamiamque haustura profundô
Ore virum, vitreae tandatur imagine formae.
(Claudio, 2008: 356)*

کوه نیفاتس در برابر
غزش توفنده **بهر گرگانی** می‌لرزد؛
پبری که فرزندان را
سواری از بحر خوشی شاه **هخامنشی** (شاه ایرانی)
برپوده و با خود برده است؛
بهر شتابنده‌تر از باد باختر که معشوق اوست
خشم خروشان خویش را
از خطوطی که بر تن دارد به جنبش می‌آورد
و در حالی که می‌خواهد
نخجیرگیر هراسنده را در دهان ژرف خود گیرد،
نقش او در آینه بازمی‌تابد و دَد را مات می‌کند.

¹ *De Raptu proserpinae*



Tigris vocata propter uolucrem fugam; ita enim nominant Persae et Medi sagittam

کتابنامه

- Barthold, Vasilii Vladimirovich (1984), *An Historical Geography of Iran*, Princeton University press, Princeton.
- Brunetto Latini (1877), *Il Tesoro*, Traduzione di Bono Giamboni, a cura di Luigi Gaiter, Bologna, Romagnoli.
- Cortelazzo, Manlio/Zolli, Paolo (1999), *Dizionario Etimologico Della Lingua Italiana*, Zanichelli, Bologna.
- De Mauro, Tullio (2000), *Dizionario della Lingua Italiana*, Paravia Bruno Mondadori editore, Milano.
- Ferroni, Giulio (2002), *Storia e testi della letteratura italiana* (vol. 1), Milano, Mondadori universitaria.
- Isidoro di Siviglia (2014), *Etimologie o Origini*, a c. di Angelo Valastro Canale, UTET, Torino.
- Oppiano (1833), *La cinegetica, e l'alieutica o sia La caccia e la pesca poemi di Oppiano Cilice volti dagli esametri greci in endecasillabi italiani per Urbano Lampredi. 2 voll.* Gabinetto Tipografico all'Insegna di Meli. Palermo.
- Marco Onorato (ed.) (2008), Claudiano, *De raptu Proserpinae*, Napoli, Loffredo Editore Collection
- Pausania (1817-1818), *Descrizione della Grecia*, Antonio Nibby, Roma, Poggioli.
- Poliziano (1988), *Stanze de messer Angelo Politiano cominciate per la giostra del magnifico Giuliano di Pietro de Medici, "Poesie Italiane"*, a cura di Saverio Orlando, Rizzoli, B.U.R.
- Rigaut de Barbezieux (1960), *Le canzoni*, Mauro Braccini, Firenze, Olschki.
- Virgilio (1966), *Tutte le opere*, a cura di Enzo Cetrangolo, Sansoni editore, Firenze.
- Torquato Tasso (2011), *Gerusalemme liberata*, Garzanti, Milano.

On the "Hyrcanian Tiger" and the Adjective *Ircano* in Roman Literature

Iman Mansub Basiri

University of Tehran

Abstract

Tígris (tiger) is an ancient Indo-Iranian word that entered to Latin through the Greek language. According to European etymological dictionaries, the word *tígris* is cognate with New Persian *tīr*, which is equivalent to Italian word *aguzzare* meaning "sharpen". The image of the tiger in Latin literature is associated with *Gorgan*. The adjective *Ircano*, which is often used to describe the tiger in Latin and Italian vulgar literary texts, is derived from Persian *Hyrcanian*. The article aims to investigate the meaning of the adjective *Ircano* and its connection with the word tiger in Roman literature.

Keywords: *Tiger, Hyrcanian/ Ircano, Latin, Italian*